

جز مهارت‌هایش در گلزنی، در ارسال پاس هم از تخصص ویژه‌ای بهره می‌برد و البته باتوجه به خصوصیت بازی‌اش، ضرباهنگ حرکت تیم را در دست داشت. هیوز با توجه به مهارت‌های او در سال ۲۰۰۶ گفت: «مردم به من می‌گویند که آیا آرزو نمی‌کنید او ده سال جوان‌تر بود؟ من می‌گویم نه! زیرا اگر اینطور بود در بارسلونا بازی می‌کرد.»

تأثیر توگای اما تنها محدود به بازی‌های باشگاهی نبود؛ او ۹۴ مرتبه با پیراهن تیم ملی ترکیه نیز به میدان رفت و عضوی تأثیرگذار در تیم تحت رهبری «سنول گونش» بود که در جام جهانی ۲۰۰۲ به رتبه سوم جهان رسید. او دومین بازیکن مسن آن تیم ترکیه به حساب می‌آمد اما هیچگاه نمی‌توانستید تأثیرش را در میان بازیکنان نادیده بگیرید. در حقیقت او و «هاکان شوکور» بازیکنانی بودند که بازیکنان جوان به آنها علیرغم اختلاف دینی، در رختکن نگاه می‌کردند. او سال ۲۰۰۳ در مصاحبه با تلگراف گفت: «من به عنوان یک بازیکن بزرگسال تلاش می‌کنم تا الگویی برای بازیکنان جوان باشم و به آنها فرصت موفقیت، خوب بازی کردن و اتحاد بدهم. من مسلمان هستم و این مسأله‌ای شخصی است. برای من فرقی ندارد که بازیکن جوان تیم سنی است یا شیعه. مسیحی است یا مسلمان. ما همه انسانیم و با یکدیگر برابریم.»

در جام جهانی شگفتی‌ها در کره و ژاپن، ترکیه یک قدرت نوظهور محسوب می‌شد. تمام بازیکنان «ماه و ستاره» یک تجربه بی‌نظیر و منحصربه‌فرد را سپری می‌کرد. شوکور در ثانیه دهم برابر تیم ملی کره جنوبی تور دروازه یکی از میزبانان تورنمنت را به لرزه درآورد تا «ایلهان مانسیز» در جدال برابر تیم ملی سنگال با گل طلایی حکم صعود تیم ملی ترکیه به نیمه نهایی را امضا کند. در آنجا تنها برزیل –قهرمان جام– با درخشش «رونالدو نازاریو» توانست ترمز ترکیه را بکشد.

توگای به عنوان یک ستاره به «ایوود پارک» بازگشت و مورد استقبالی باشکوه قرار گرفت چرا که تا پیش از آن، هیچ بازیکنی از بلکبرن هرگز به مقام سومی جهان نرسیده بود. هفت سال پس از تابستان ۲۰۰۲، توگای با یک وداع احساسی از بلکبرن جدا شد. از او کنار «آلن شیر» به عنوان برترین بازیکنان تاریخ بلکبرن یاد می‌شود. خودش در این باره گفت: «به خاطر این امر مختصر هستم اما این افتخار تنها متعلق به من نیست، بلکه به خاطر باشگاه و کارکنان آن و هواداران است. همه چیز در جایگاه درست بود و من برای دورانم در اینجا ممنون هستم. بلکبرن در قلب و ذهن من است و هرگز آن را فراموش نخواهم کرد.»

همین فروتنی در گفتار و کردار بود که از توگای در رختکن بلکبرن یک چهره محبوب ساخت تا حتی هواداران سایر تیم‌ها نیز هافبک ترکیه‌ای بلکبرن را تقدیر کنند. مهارت، خلاقیت و حتی موهایش برای او محبوبیتی بی‌نظیر به ارمغان آورد؛ محبوبیتی که البته سهم گلزنی‌ها و تکنیکش در شکل‌گیری آن غیر قابل انکار بود. او شاید بهتر از هر کس دیگری در لیگ برتر انگلیس توپ را برای هم‌تیمی‌هایش می‌فرستاد و به همین دلیل نیز پای ثابت ویدئوی بهترین گل‌های هر فصل بود.



# توگای ستاره‌ای که در ۳۱ سالگی پرفروغ درخشید

در فصل بعدی شرایط بهبود یافت و بلکبرن با هدایت سونیس به رتبه ششم لیگ برتر رسید. توگای و دان به عنوان ستون اصلی تیم ایفای نقش کردند و در طول فصل نمایش‌های باثبات و متعادلی داشتند.

در تیم آن فصل «برد فیلد» درون دروازه روزهای خارق‌العاده‌ای را سپری می‌کرد، «لوکاس نیل»، «نیلس اریک یوهانسون»، «مارتین تیلور» و «کریگ شورت» هم خط دفاعی محکمی را تشکیل داده بودند. توگای و دان در مرکز زمین وظیفه تنگ کردن کمربند میانی را بر عهده داشتند و «دیمن داف» و «گری فلیتکرافت» به عنوان دو وینگر تیم در کنار این دو نفر ایفای نقش می‌کردند. در خط حمله سونیس از زوج سابق منچستر یونایتد که سابقه فتح سه‌گانه را در کارنامه می‌دیدند یعنی «دوایت یورک» و «اندی کول» بهره می‌برد. برای هواداران بلکبرن این تیم جذاب‌ترین تیمی بود که پس از قهرمانی سال ۱۹۹۵ در لیگ برتر با هدایت «کنی دالگلیش»، می‌دیدند. تیمی که هشت سال را بدون فتح جام پشت سر می‌گذاشت اما شخصیت و توانایی‌های توگای به آنها وجهه زیبایی می‌بخشید. روزنامه‌نگاران میان آنها و برزیل، شباهتی قائل نبودند اما اگر شما با تماشای بازی بلکبرن، فکر می‌کردید که در حال تماشای بازی تیم ملی برزیل هستید، با توجه به مهارت گردش توپ توگای می‌توان شما را بخشید.

در طول سال‌های متمادی، او به عنوان یک مهره مهم برای بلکبرن باقی ماند و زیر نظر «مارک هیوز» جانشین سونیس، به فعالیت و درخشش بی‌پدیش ادامه داد. ضمن اینکه تکنیک و بینش بالای او در زمین هم از نظرها پنهان نماند. پس از برتری یک گله منچستر یونایتد در «ایوود پارک» برابر میزبان خود در نوامبر ۲۰۰۶، «سر الکس فرگوسن» که از عملکرد او به وجد آمده بود از آن گفت که اگر توگای ۱۰ سال جوان‌تر بود قطعاً یک مهره ایده‌آل برای حضور در ترکیب ثابت شایطین سرخ به حساب می‌آمد. درست یک هفته پس از این تمجید فرگی بود که توگای یک والی تماشایی از راه دور وارد دروازه انتهایم کرد.

فراموش نکنید که یکی از دشوارترین راه‌ها برای ضربه زدن به توپ، زمانی است که توپ از آسمان به سمت پایین می‌آید و توگای با اعتماد به نفس کامل و باور به توانایی‌های خود چنین ضربه‌ای را زد. چنین گلی آرزوی هر مهاجمی است اما تنها تعداد کمی موفق به انجام آن می‌شوند؛ توگای ولی بارها و بارها این هنرنمایی را روی صحنه می‌برد.

او طی هشت سال حضور در بلکبرن، خود را به عنوان هافبکی مطرح کرد که هنگام در اختیار داشتن توپ بسیار زیرک است. به

او برای بلکبرن به یک وزنه سنگین تبدیل خواهد شد و این بار ستاره مد نظر او در بازار نقل‌وانتقالات همانند دیا نبود که از همان اول هواداران بلکبرن را ناامید ساخت!

ضربه آخر توگای به رنجرز اما افشای جنگ‌های داخلی و جو مسموم رختکن این تیم بود که به یکی از دلایل جدایی هافبک ترک تبدیل گشت. او در بلکبرن اما جوی دوستانه اطراف خود دید. در دیدار برابر ساندربلند که با برتری یک بر صفر بلکبرن همراه شد، به عنوان آخرین تعویضی در دقایق پایانی برای اولین بار برای تیم جدیدش به میدان رفت اما طولی نکشید که راهش به ترکیب اصلی را باز کرد. یک ماه بعد، هافبک ترک‌تبار نخستین چشمه از مهارت‌های جذاب و تماشایی خود در امر گلزنی را به تصویر کشید. او یک گلزن کامل و قهار نبود اما این توانایی را داشت که گل‌هایی به ثمر برساند که یادآوری آنها بارها و بارها ارزش داشته باشد. نخستین گل او در تحقیر ۷ بر یک وستهم در «ایوود پارک» از همین دست گل‌ها بود. جایی که او توپ را در دقیقه ۸۰ دریافت کرد؛ آنهم در شرایطی که بلکبرن رقیب را نابود کرده بود. «گلن رود» سرمربی چکش‌ها کنار زمین مستأصل به چشم می‌خورد چرا که بارها در هم شکستن خط دفاعی تیمش را در این مسابقه به چشم دیده بود و کاری برای آن نمی‌توانست انجام دهد. توگای در این بازی نقشی محوری ایفا کرد و در دقیقه ۸۰ هم هیچ رحمی از خود بروز نداد؛ با یک ضربه دقیق به گوشه دروازه برای تیمش گلزنی کرد تا ورزشگاه «ایوود پارک» از گلزنی ستاره ترکیه‌ای غرق شادی شود. او در شادی پس از گل، زبانش را بیرون آورد و گویی این جملات را بر زبان می‌آورد: «این چیزی نبود؛ منتظر باشید تا ببینید چه چیزهایی برای‌تان در چننه دارم.»

توگای با گذشت چند هفته، خود را به عنوان بخشی از خانواده بلکبرن دید. وقتی هواداران روی سکوها نام او را با تمام وجود فریاد می‌زدند، ستاره ترک فهمید که اینجا با سایر باشگاه‌های قبلی فرق دارد. فهمید که در تیم جا افتاده است؛ دقیقاً همان اتفاقی که در رنجرز برایش رخ نداد.

کریم‌اوغلو در ترکیه با پیراهن گالاتاسرای یک ستاره قابل ستایش بود. وقتی چالش جدید و سخت رنجرز را پذیرفت همه به درخشش او امیدوار بودند چرا که به توانایی‌های واقعی او اشراف داشتند اما ماجرا خوب پیش نرفت. به همین دلیل خیلی‌ها انتظار داشتند او به فوتبال ترکیه برگردد اما سونیس باور داشت که توگای می‌تواند نقشی مهم در ترکیب تیمش در لیگ برتر انگلیس ایفا کند. به عنوان یک هافبک توانا به بازسازی و گلزنی؛ توگای کیفیت بسیار بالایی داشت اما در رنجرز زیر سایه «بری فرگوسن» قرار گرفت. ستاره‌ای که در ۲۲ سالگی بازنود کاپیتانی تیم اسکاتلندی را مقابل خودش دیده بود.

توگای که در «گالا» شرایطی همانند فرگوسن داشت، در بدو ورود ستاره تیم را تحسین می‌کرد و البته خوب می‌دانست که جایی برای حضور همزمان‌شان در ترکیب وجود ندارد. از آنجایی که فرگوسن فارغ‌التحصیل آکادمی رنجرز بود، اکثر فوتبال‌دوستان پیش‌بینی می‌کردند که توگای قربانی این رقابت نابرابر شود. کریم‌اوغلو هم که قصد نداشت به فعالیت خود خارج از مرزهای ترکیه پایان دهد، پس از ناکامی در اسکاتلند، پیشنهاد سونیس را پذیرفت تا به نوعی بهترین تصمیم دوران بازی‌اش را رقم بزند.

در نخستین فصل حضور در بلکبرن، توگای به یک عضو مهم مبدل شد؛ عضوی همیشه حاضر در خط هافبک تیم. بازیکنی که به تیمش کمک کرد تا به فینال جام اتحادیه برسد. از شانس بد اما او حضور در دیدار پایانی را به دلیل مصدومیت از دست داد و در لیگ هم نهایت به رتبه دهم دست یافت.

مت گالتی  
مترجم: نوید صراف

بیست و چهارم ماه مه ۲۰۰۹، ورزشگاه «ایوود پارک» مملو از رنگی بود که هیچ تشابهی به رنگ همیشگی و مرسوم «بلکبرن روورز» نداشت. در واقع در آن روز بخصوص، به جای رنگ آبی و سفید متداول، هواداران با لباس‌هایی به رنگ‌های قرمز و سفید بر تن وارد ورزشگاه شدند که این امر به دلیل ادای احترام به ستاره ترکیه‌ای خود «توگای کریم‌اوغلو» بود که پس از هشت سال، قصد وداع با بلکبرن داشت.

پس از دیدار برابر وست‌برومویچ، توگای از تونل ورزشگاه در میان تشویق هزاران نفر پا به مستطیل سبز گذاشت. در هر چهار گوشه استادیوم، بنرهایی در تشر از خدمات متعهدانه ستاره ترکیه‌ای از سوی هواداران تیم بلکبرن به چشم می‌خورد. او که به همراه دخترش برای آخرین بار در چمن «ایوود پارک» گام برمی‌داشت به بنری که روی آن نوشته بود «توگای تو شادی ترکیه‌ای من هستی» و اکنش نشان داد و به سمتش بوسه فرستاد. او در دور افتخار خود میان ریختن اشک و زدن لیچند در تقلاي نتگانتگی قرار گرفت؛ همزمان با چشمانی گریان برای هواداران لبخند می‌زد تا از آنها به بهترین شکل ممکن تشکر کند. در این روز احساسی بی‌شک جلوگیری از خیس شدن چشم‌ها و گونه‌ها، سخت‌ترین کار ممکن برای یکی از سرسخت‌ترین هافبک‌های لیگ برتر انگلیس بود. ستاره‌ای که با ۲۷۰ حضور در میادین با لباس بلکبرن، قلب و روح خود را در اختیار این باشگاه قرار داد و این چیزی بود که هواداران به آن اشراف داشتند. اگر سوار بر ماشین زمان شویم و به گذشته برگردیم، می‌بینیم که او همواره در طول دوران حضورش در لیگ برتر با مشکلاتی مواجه شده که در دوران جوانی مشابه‌اش را تجربه نکرده بود. فراموش نکنید او زمانی که پا به لیگ برتر گذاشت ۲۵ سالش نبود؛ مردی بود ۳۰ ساله. هافبکی که وقتی قدم به محوطه باشگاه گذاشت خوب می‌دانست هواداران این تیم چه انتظاراتی از بازیکنان‌شان دارند و فراتر از آن را به عاشقان این باشگاه هدیه کرد.

هواداران بلکبرن برای دلایل متعددی از «گرایم سونیس» قدردان هستند؛ کسی که پس از سقوط تیم با هدایت «بریان کید» در سال ۱۹۹۹، موفق شد یک بار دیگر بلکبرن را به لیگ برتر انگلیس بازگرداند. او به پیشرفت بازیکنان جوانی مانند «دیمن داف» و «دیوید دان» کمک شایانی رساند و به تیم کمک کرد تا فصل ۰۳-۲۰۰۲ جزو شش تیم نخست جدول رده‌بندی باشد. اما شاید بزرگترین میراث او در باشگاه جذب «توگای کریم‌اوغلو» از باشگاه رنجرز بود.

«مرد اسکاتلندی» که سابقه همکاری با توگای را در باشگاه گالاتاسرای در کارنامه می‌دید، ستاره ترک را بهترین گزینه برای تقویت خط هافبک بلکبرن در تابستان ۲۰۰۱ می‌دانست. سونیس چندان در نقل‌وانتقالات سبقه درخشان و همواره موفق نداشت ولی می‌توان به جرأت گفت که جذب توگای با ۳/۱ میلیون پوند یک سرمایه‌گذاری بسیار هوشمندانه بود.

کریم‌اوغلو در ترکیه با گالاتاسرای شش قهرمانی سوپرلیگ ترکیه و چهار قهرمانی جام حذفی این کشور را فتح کرده بود و در فصل ۹۳-۱۹۹۲ زمانی که تنها ۲۲ سال سن داشت، به جوان‌ترین کاپیتان تاریخ گالا تبدیل شد. علیرغم استعداد گلزنی و توانایی‌هایی که در ترکیه از خود به نمایش گذاشته بود؛ او در ایبروکس با پیراهن رنجرز به مشکل خورد و نتوانست در ترکیب «دیک ادوکات» جایگاه ثابتی برای خود دست‌وپا کند. سونیس از عدم بازی او در فوتبال اسکاتلند بهره برد و با توجه به شناختی که از توگای داشت بر این باور بود که

